

جنبش کارگری پتک توانای انقلاب اکتبر

رضا روستا

نهضت اتحادیه ای در روسیه

از نیمه دوم قرن ۱۹ تحولات عمیقی در روسیه آغاز شد. اصلاحات ارضی در سال ۱۸۶۱ و آزاد شدن دهقانان راه را برای رشد سریع سرمایه داری هموار کرد. در فاصله سال های ۱۸۶۶-۱۸۹۰ تعداد کارخانه های ماشینی روسیه از ۲۵۰۰ به ۶۰۰۰ افزایش یافت. در سال ۱۸۹۰ تعداد کارگران صنعتی روسیه به ۱/۴۳۲ میلیون رسید. تقریباً نصف کارگران صنعتی (۴۸/۳ درصد) در کارخانه های که بیش از ۵۰۰ کارگر داشت کار می کردند و همین تمرکز امکان مناسبی برای فعالیت سازمانی و سیاسی بود. تا آخر قرن ۱۹ تعداد کارگران روسیه که در صنایع، راه آهن، کشاورزی، ساختمان، صنایع جنگلی و غیره کار می کردند از ۱۰ میلیون نیز تجاوز می کرد. در سال ۱۸۹۷ جمعیت روسیه به بیش از ۱۲۵ میلیون نفر رسید که اکثر آنان را دهقانان تشکیل میدادند که دو سوم آنان نیز دهقانان بی زمین بودند. وضع کارگران روسیه از همه کشورهای سرمایه داری بدتر بود. دستمزد ناچیز، مسکن بسیار بد، وضع کار نامناسب و بدون حفاظت از خطر، استثمار شدید سرمایه داران داخلی و خارجی، روحیه ضد سرمایه داری و استبداد تزاری را در آنها شدیدتر میکرد. کارگران روسیه تدریجاً دست به اعتصاب زدند و در راه افزایش حقوق، بهبود وضع زندگی و کار مبارزه کردند. اعتصاب های کارگری روسیه از سالهای ۶۰ قرن ۱۹ آغاز شد و در سالهای ۷۰ توسعه بیشتری یافت. در جریان سال های ۷۰ بیش از ۳۲۵ اعتصاب و قیام کارگری بوقع پیوست. در این اعتصابها کارگران راه خود را برای تشکیل سازمان مستقل کارگری پیدا کردند. نخستین سازمان کارگری "اتحاد کارگران جنوب" بود که در سال ۱۸۷۵ در شهر ادسا تشکیل شد. سه سال بعد در پتروگراد "اتحاد کارگران شمال" بوجود آمد. این سازمان توانست ۲۰۰ هزار کارگر را به سوی خود جلب کند. لیکن در سالهای ۸۰-۱۸۷۹ ژاندارمه ا سازمان های جمعیت کارگری را تارو مار کردند. اتحادیه کارگری روزبروز بیشتر در افکار کارگران رسوخ یافتند.

وضع کارگران و زحمتکشان روسیه اوائل قرن ۲۰ بدتر شد. بحران اقتصادی سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۰ وضع را بدتر کرد. تعداد بیکاران از ۲۰۰ هزار نفر تجاوز کرد. در سالهای بحران دستمزد کارگران کمتر شد و ساعات کار که ۱۱/۵ ساعت در روز بود به ۱۴-۱۲ ساعت افزایش یافت. تضاد جامعه سرمایه داری روسیه که هنوز بقایای فئودالی در دهات ریشه عمیقی داشت و دستگاه های دولتی آن بصورت قرون وسطائی اداره میشد سال به سال بیشتر می شد. لیکن در همین دروان هنوز بسیاری از زحمتکشان که اکثریت شان تازه از روستا به صفوف کارگران داخل شده بودند به تزار روسیه ایمان داشتند و تصور می کردند اگر عرایض و درخواست هیشان به نظر تزار برسد وضع آنان تغییر خواهد یافت. براساس همین اعتقاد بود که کشیش ها و عمال پلیس توانستند ۱۴۰ هزار تن کارگران پترزبورگ را روز یکشنبه ۹ ژانویه ۱۹۰۵ به سوی قصر زمستانی تزار بکشانند. کارگرانی که از راه مسالمت آمیز می خواستند خواست های خود را بنظر تزار برسانند بطرز فجیع گلوله باران شدند و بیش از ۱۰۰۰ نفرشان کشته و ۵۰۰۰ نفر زخمی گردیدند. در همین روز کارگران

اعتقاد خود را به تزار و رژیم تزاری از دست دادند و یکشنبه خونین آغاز اعتصاب های جمعی کارگران، قیام مسلحانه و انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ روسیه شد. تنها در ژانویه همان سال بیش از ۴۴۰ هزار کارگر اعتصاب کردند و در روز اول ماه مه ۱۹۰۵ امواج اعتصاب ۲۰۰ شهر روسیه را فرا گرفت و انقلاب روسیه که نیروی اساسی آنرا کارگران و دهقانان تشکیل می دادند دو سال طول کشید و تزاریسم را وادار به گذشت هائی کرد که برای رشد بعدی نهضت کارگری و دموکراتیک قابل ارزش بود. هر چند انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ روسیه نتوانست وظایف اساسی خود را که سرنگونی تزاریسم و برقراری جمهوری دموکراتیک بود انجام دهد ولی انقلاب مکتب ارزنده ای برای طبقه کارگر روسیه و میدان تمرینی برای جنبش های انقلابهای بعدی گردید.

از سال ۱۹۱۰ جنبش اعتصابی دوباره اوج گرفت و اعتصاب ها در شهرهای مسکو، پتروگراد و سایر شهرها رخ داد. در سال ۱۹۱۱ تعداد اعتصاب کنندگان به ۱۰۵ هزار نفر رسد که دو برابر سال قبل از آن بود. در سال ۱۹۱۲ بیش از یک میلیون نفر و در سال ۱۹۱۳ در حدود یک میلیون و ۲۷۲ نفر در اعتصاب ها شرکت کردند. از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ بیش از ۱۳ هزار قیام دهقانی در روسیه رخ داد. همه اینها نشانه تشدید تضادهای داخلی جامعه روسیه تزاری بود. در این جریان طبقه کارگر سازمان های آشکار و مخفی خود را توسعه میداد و خود را برای مبارزه نهائی علیه تزاریسم آماده می کرد. در دوران مبارزات اعتصابی کارگران توانستند تجارب ارزنده ای به دست آورند. آنها در بسیاری از موارد توانستند با اتحاد و وحدت عمل کارفرمایان را وادار به انعقاد قرارداد جمعی کنند. نخستین نمونه قرارداد جمعی در سال ۱۹۰۴ در شهر باکو که مرکز صنعت نفت روسیه بود بین کارگران اعتصابی و کارفرمایان بسته شد و سپس در بعضی از شهرهای دیگر نیز نظیر آن به وقوع پیوست.

روسیه تزاری برای جلوگیری از اعتصابها و ممانعت از وحدت کارگران در مارس ۱۹۰۶ قانون ضد کارگری "مقررات موقت در باره اتحادیه های حرفه ای" را وضع کرد. علاوه بر این پلیس تزاری سعی کرد با نفوذ در سازمان های کارگری، خریدن بعضی از رهبران و تشکیل اتحادیه های پلیسی از وحدت عمل کارگران جلوگیری بعمل آورد. ولی تمام این تدابیر رژیم تزاری نتوانست کارگران انقلابی روسیه را که موفق شدند در جریان جنبش های انقلابی سازمان های خود را در خفا و آشکار بوجود آورند و مبتکر تشکیل شوراهای انقلابی بودند، از مبارزه سرسخت علیه رژیم تزاری و در راه ایجاد حکومت کارگری باز دارد. کارگران روسیه توانستند به کمک سازمان های خود، با اتحاد دهقانان و تحت رهبری بلشویک ها حکومت روسیه تزاری را در فوریه ۱۹۱۷ واژگون سازند و سپس با تجدید نیروهای خود جمهوری بورژوازی و مالکان را در ۷ نوامبر همانسال سرنگون نمایند و جمهوری شوروی را که نخستین دولت کارگری و دهقانی بود تشکیل دهند. با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و خاتمه جنگ های داخلی وضع طبقه کارگر روسیه و همه زحمتکشانش آن کشور از بیخ و بن عوض شد.

اتحادیه های کارگری که تا قبل از انقلاب اکتبر علیه تزاریسم و بورژوازی مبارزه می کردند پس از انقلاب آزادی کامل یافته و تمام نیروی خود را در راه خورد کردن مداخله گران، ضد انقلابیون ترمیم خرابی های جنگهای هفت ساله، احیای اقتصاد ملی و رشد نیروهای مولد متمرکز کردند. پس از انقلاب در صفوف اتحادیه های صنفی اتحاد شوروی قریب ۷۵ میلیون نفر عضو شدند که شامل همه قشرهای تولیدی و اجتماعی بود و نقش بزرگی در ایجاد زیربنای سوسیالیسم، رشد نیروهای مولد، بهبود زندگی عمومی بازی کردند.